

# ایسکرا

# ۷۷۰

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

Tel: ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵ تاشن تماس با ما

۲۰ اسفند ۱۳۹۳، ۱۱ مارس ۲۰۱۵

سردبیر عبدالگلپریان



نسان نودینیان

## تحرکات اسلام سیاسی علیه شادی سال نور با هوشیاری خنثی کنید

گروه‌های سلفی با اطلاعیه‌ای مردم شهرها را به انجام عملیات انتحاری در صورت اقدام به برپا کردن آتش تهدید کرده‌اند. پیشتر نیز، وزارت اطلاعات در اطلاعیه‌ای هشدار داده بود که از روشن کردن آتش نوروز خودداری کنند.

صفحه ۲

## در مورد حمله نیروهای مسلح اتحادیه میهنی به اردوگاه حزب دمکرات کردستان ایران

بویژه اینکه چنین اقدام سرکوبگرانه‌ای تا کنون بارها از جانب اتحادیه میهنی علیه احزاب اپوزیسیون ایرانی مستقر در کردستان عراق افتاده است.

حزب دمکرات کردستان ایران از حدود ۲۰ سال قبل در حوالی شهر کویسنجق از توابع استان اربیل مستقر می‌باشد و تأمین امنیت مقرهای این حزب در خارج اردوگاه برعهده نیروهای امنیتی حکومت اقلیم کردستان است.

با این حال اتحادیه میهنی به دلیل روابط نزدیک و حسنه اش با جمهوری اسلامی و فرماندهان سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات این رژیم، تا کنون بارها مستقیم و غیر مستقیم حملاتی را به اردوگاهها و افراد اپوزیسیون ایرانی مستقر در کردستان عراق سازمان داده است. طبق آمار منتشر شده از اواسط دهه نود میلادی تا کنون بیش از ۳۵۰ نفر از مخالفین جمهوری اسلامی در کردستان عراق ترور شده‌اند. این ترورها اساساً از جانب سپاه و وزارت اطلاعات رژیم صورت گرفته است.

احزاب حاکم در کردستان عراق که مسئولیت امنیت پناهندگان و آوارگان ایرانی مخالف جمهوری اسلامی را به عهده دارند تا کنون نه تنها از این جنایات چشم پوشیده‌اند، بلکه در مواردی مستقیماً در حمله به اپوزیسیون جمهوری اسلامی دست

صفحه ۲



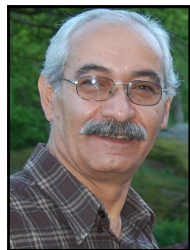
محمد آسنگران

نیروهای امنیتی و پلیس شهر کویسنجق در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۹۳ برابر با ۳ مارس ۲۰۱۵ یک بار دیگر به اردوگاه حزب دمکرات کردستان ایران در این شهر حمله کردند و افراد مسلح و خانواده‌های مستقر در این اردوگاه را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

به دنبال این حمله نیروهای "ضد ترور" اتحادیه میهنی علیه حزب دمکرات کردستان ایران، تعدادی از احزاب و سازمانهای کردستان و هیئت‌هایی از احزاب و پارلمان کردستان عراق ضمن دیدار با مقامات این حزب اقدام نیروهای امنیتی و پلیس کویبه را محکوم کردند.

محکوم کردن این اقدام اتحادیه میهنی علیه یک حزب اپوزیسیون ایرانی مستقر در کردستان عراق ساده‌ترین کاری است که باید کرد. مسئله اما فراتر از محکوم کردن و تقبیح این اقدام نظامی علیه اردوگاه پناهندگان و افراد یک حزب سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی است.

## "پوتین‌های بنی صدر و وقایع کردستان"



عبدالگلپریان

بعنوان اولین رئیس جمهور اسلامی، که به سربازانش دستور داد تا "رفع غائله" پوتین‌هایشان را از پا در نیارند، می‌کوشد خود را از دایره وقایع آندوره میرا جلوه دهد و نه تنها چهره‌ای "مقبول" و مورد "ظلم واقع شده" از خود نشان دهد بلکه کومه‌له را هم بعنوان مقصر

صفحه ۳

رویدادهای کردستان در مقطع قیام ۵۷ و وقایع بعد از آن چیزی نیست که به سادگی دست از سر دستور دهندگان و کسانی بردارد که فرمان دهنده، بانی و مسبب قتل و کشتار هزاران نفر از مردم کردستان بودند. هر سال به مناسبت رویدادهای آن ایام در کردستان، فرصتی فراهم میشود که بنی صدر

### برگزاری مراسم ۸ مارس در شهر سلیمانیه!

روز هشتم مارس، روز جهانی زن در شهر سلیمانیه به فراخوان گروه ژیان (نهاد دفاع از حقوق زنان) مراسمی در مرکز شهر

صفحه ۸

### اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

تهیه و تنظیم: یادی محمودی  
yadi.mahmodi@gmail.com

## برگزاری ۸ مارس روز جهانی زن در سنندج



روز یکشنبه ۸ مارس روز جهانی زن مصادف با ۱۷ اسفند، یک راهپیمایی در خیابان فرح شهر سنندج از ساعت ۶:۴۵ الی ۷ بعدازظهر برگزار گردید. شرکت کنندگان در این راهپیمایی با دست داشتن شعارهایی و سر دادن آنها از فیصل: "زنده باد هشت مارس، کارگر زندانی آزاد باید گردد، دانشجوی زندانی آزاد باید

صفحه ۸

## دستگیری و احضار فعالان کارگری در آستانه روز جهانی زن

صفحه ۲

### نگاه هفته: مجموعه‌ای از اخبار و رویدادهای هفته

نسان نودینیان - نسرین رمضانلی

در شهرهای کردستان

صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ در مورد حمله نیروهای ...

داشته اند.

در دهه نود میلادی چندین مورد به اردوگاههای کومه له و حزب دمکرات حمله شد. در یک مورد که اوج افتضاح سیاسی اتحادیه میهنی بود این حزب رسماً در سال ۱۹۹۶ یک ستون از سپاه پاسداران را که مجهز به انواع سلاح سبک و سنگین بودند، رسماً از مرز پنجوین تا شهر کوی سنجان همراهی و هدایت کرد و حزب دمکرات ناچار شد کل اردوگاه خود را تخلیه نماید. بنابر این حمله اخیر تنها یکی از آن حملاتی است که مستقیماً بوسیله نیروهای امنیت و پلیس اتحادیه میهنی به اردوگاه حزب دمکرات کردستان ایران صورت گرفته است.

سایت بازتاب حمله سپاه به مقرهای حزب دمکرات در کوی سنجان کردستان عراق در سال ۱۹۹۶ را به مناسبت تجلیل از سرلشکر "احمد کاظمی" چنین منتشر کرده است:

"بعدازظهر روز ۲۶ جولای سال ۱۹۹۶، دو یست وسیله نقلیه ایرانی به همراه دو هزار نیروی مسلح به سلاحهای سبک و سنگین، از مرز ایران و عراق از منطقه پنجوین گذشته و به سوی کوی سنجان در منطقه اربیل در شمال کردستان عراق - منطقه ای که در کنترل نیروهای اتحادیه میهنی کردستان عراق بود - حرکت کردند. در سحرگاه روز ۲۸ جولای، آنان بر منطقه و کمپهای حزب دمکرات کردستان ایران و همچنین مراکز اداری و مرکز کوی سنجان، مسلط شدند و آنجا را محاصره کردند و به این ترتیب، بیش از سه هزار نفر از پناهندگان و پیشمرگهای کرد در محاصره نیروهای احمد کاظمی، از قرارگاه حمزه سیدالشهدا، قرار گرفتند. در این زمان، احمد کاظمی با ارسال پیامی به این قرارگاه ضدانقلاب، به آنان اعلام کرد: ما اینجا آمده ایم تا شما، اسلحه و مهمات خود را کنار بگذارید و ..... گزارشگر بخش جهانی «بی.بی.سی.» در ۳۱ جولای اعلام کرد: نیروهای ایران، اردوگاه مخالفان دولت ایران در کوی سنجان را محاصره و پس از دو روز، بدون هیچ گونه درگیری، آنجا را ترک کردند و هیچ کس آسیب ندید. در ۲۹

و ۳۰ جولای ۱۹۹۶، خبرگزاریهای فرانسه و «رویترز» نیز از این واقعه نظامی گزارشهایی انعکاس داده و اعلام کردند: به رغم پیشروی ۱۶۰ کیلومتری ایران در خاک عراق تا منطقه کوی سنجان و رویارویی مستقیم نیروهای ایرانی و پیشمرگهای کرد، هیچ گونه درگیری رخ نداده است.

در همین ایام بود که اتحادیه میهنی تبلیغات رادیوی حزب دمکرات علیه جمهوری اسلامی را "تحریک آمیز" خواند و برای مدتی مانع پخش آن شد.

در همین سالها بارها مقرهای کومه له مورد حمله موشکی قرار گرفت و در مسیر عبور ماشینهای آنها مین گذاری شد. یک مورد هم به کاروان نیروهای پیشمرگ کومه له در مسیر رانیه حمله شد و در یک درگیری کوتاه حمله کنندگان مورد تعرض قرار گرفتند که متعاقباً چند پیشمرگ کومه له بوسیله اتحادیه میهنی بازداشت شدند و قصد داشتند آنها را تحویل جمهوری اسلامی بدهند.

هنگامیکه این سابقه سپاه را میبینید حمله اخیر به اردوگاه حزب دمکرات کردستان اتفاق جدیدی نمیباشد. اما این حمله در پی یک مجموعه محدودیت اتفاق افتاده است که از تابستان گذشته تا کنون علیه همه اپوزیسیون ایرانی مستقر در کردستان عراق اعمال میشود.

ابتدا احزاب حاکم در کردستان عراق مانع مقابله نیروهای مسلح این احزاب با داعش شدند. این مستقیماً به وجود جمهوری اسلامی در جبهه های جنگ مربوط بود. زیرا هم بارزانی از کمکهای جمهوری اسلامی برای مقابله با داعش قدردانی کرد و هم قاسم سلیمانی و نیروهای همراهش در جبهه دربندیخان و جولولا و سعیدیه با نیروهای اتحادیه میهنی در یک جبهه بودند. چنانچه محمود سناگوی فرمانده این جبهه رسماً در یک مصاحبه تأیید کرد که قاسم سلیمانی آنجا بود و نیروهایشان با همدیگر هماهنگی داشته اند.

در قدم بعدی کمک هزینه ای که سالها از جانب حکومت اقلیم کردستان به احزاب اپوزیسیون ایرانی مستقر در کردستان عراق پرداخت

اینها هم برای مردم در شهرهای کردستان تازه نیست. جمهوری اسلامی هر سال با شروع چهارشنبه سوری و مراسم های نوروزی شهرهای کردستان را نظامی میکند. ممانعت های امنیتی را برای جلوگیری از شادی، رقص و موزیک ایجاد میکند. این اسلام سیاسی است. امسال تحریک گروه های سلفی هم در کنار مزدوران جمهوری اسلامی در مخالفت با شادی مردم هم اضافه شده است.

## از صفحه ۱ تحریکات اسلام سیاسی ...

اما، از نقطه نظر قدرت جنبش ما، جنبش علیه اسلام سیاسی و سرنگونی طلب، تحریک اسلام سیاسی (جمهوری اسلامی و یا سلفی ها) با شور و شوق مردم جوانان با سازماندهی شادی، رقص و پایکوبی خنثی میشود. حربه اسلام سیاسی تهدید، دستگیری، مزاحمت و پایمال کردن حق شادی در روزهای شاد نوروز و چهارشنبه شوری است. جواب مردم در خیابانها، ایجاد فضای صمیمی، متحد و با هدف شادی و رقص و موزیک مشترک است.

روزهای آغازین سال نورا به شادی تبدیل کنید!  
۱۹ اسفند ۹۳  
۱۰ مارس ۲۰۱۵

## دستگیری و احضار فعالان کارگری در آستانه روز جهانی زن

روز شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۳ کوروش بخشنده از فعالین کارگری در شهر سنندج و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری توسط نیروهای لباس شخصی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل گردید. کوروش بخشنده یک ماه پیش مورد عمل جراحی قلب قرار گرفت و هنگام بازداشت در دوران نقاهت بسر میبرد.

خانواده و دوستان کوروش بخشنده هیچ اطلاعی از وضعیت جسمی و محل بازداشت او ندارند. این بی اطلاعی مایه نگرانی آنها شده است. علاوه بر این در شهر سنندج هم چهار فعال دیگر از جانب نیروهای امنیتی رژیم احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند.

سید علی حسینی، محمد فرجی، عزت نصری و محمد عبدی پور در روزهای ۱۷ و ۱۸ اسفند در

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۰ اسفند ۱۳۹۳

میشد، بعد از حمله داعش به این مناطق و اختلافات دولت مرکزی و حکومت اقلیم قطع شد. تا جایی که تعدادی از این احزاب و سازمانها ناچار شده اند که فرستنده های تلویزیونیشان را تعطیل کنند.

اما با این حال حمله اخیر اتحادیه میهنی یک وجه دیگری هم دارد. وجه رقابتهای داخل منطقه حکومت اقلیم.

حزب دمکرات کردستان ایران در منطقه تحت حاکمیت اتحادیه میهنی مستقر شده است. قبلاً میانه خوبی با اتحادیه میهنی داشت. اما در یک سال اخیر بنظر میرسد که این حزب قدم به قدم به طرف بارزانی گرایش بیشتری پیدا

شهر سنندج احضار و بازجویی شدند. مردم آزادیخواه، کارگران و زنان برابری طلب! بازداشت و احضار و پرونده سازی علیه فعالین کارگری در طول حیات این رژیم امری دائمی بوده است. اما تحت فشار قرار دادن فعالین در آستانه روز جهانی زن و اینکه روز جهانی کارگر در راه است امسال معنای متفاوتی دارد. زیرا جمهوری اسلامی شدت و ابعاد گسترده نفرت مردم از حاکمان را بخوبی شناخته است.

مقامات حکومتی و نیروهای امنیتی میدانند مردم مترصد فرصت هستند تا تعرض خود به حاکمان را آغاز کنند. به همین دلیل فکر میکنند با شدت بخشیدن به دستگیری و صدور احکام ظالمانه علیه فعالین کارگری و احضار و بازجویی آنها میتوانند مردم را مرعوب کنند.

این احزاب هشدار دهد اگر به بارزانی نزدیک بشوند در منطقه اتحادیه میهنی امنیتی نخواهند داشت.

این نگاهی به مجموعه مسائلی بود که در رابطه با حمله به مقرهای حزب دمکرات میتوان به آنها نیز اشاره کرد. با این حال باید به صراحت اعلام کرد که حمله نیروهای امنیتی و پلیسی شهر کویسنجان که منطقه تحت حاکمیت اتحادیه میهنی میباشد محکوم است و مردم کردستان این اقدامات اتحادیه میهنی را فراموش نخواهند کرد.

محمد آسنگران  
دبیر کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران

## از صفحه ۱ "پوتین های بنی صدر و ..."

اصلی لشکرکشی جمهوری اسلامی به کردستان معرفی کند. جنگ ۲۴ روزه سنندج، رویدادهای کردستان و قتل و کشتار مردم در آن دوران، همیشه کماکان لکه ننگی بر پیشانی بنی صدر و دیگر رهبران امروز و دیروز جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.

اخیرا شبکه تلویزیونی "من و تو" بتاريخ ۵ مارس ۲۰۱۵ برنامہ ای تحت عنوان "رو در رو" با شرکت بنی صدر و شخصی بنام عبدالرضا کریمی (که بگفته خودش در آندوران با سازمان چریکهای فدایی خلق بوده و بعدها بدنبال انشعاب اقلیت و اکثریت در این سازمان، به حزب دمکرات کردستان ایران پیوسته است) پخش کرده که در آن ظاهرا به بررسی اتفاقات، حمله به کردستان، جنگ ۲۴ روزه سنندج و ... پرداخته است.

در این برنامه هم بنی صدر رئیس جمهور و فرمانده کل قوای جمهوری اسلامی در آن زمان تطهیر میشود، هم جمهوری اسلامی و هم حزب دموکرات و تنها مقصر و خاطی گویا کومه له است که به ادعای بنی صدر به زور اسلحه خود را به مردم سنندج تحمیل کرده است. متأسفانه نماینده حزب دموکرات عبدالرضا کریمی نیز با همین تصویر همراه میشود.

حقیقت اینست که کردستان در سال ۵۸ و ۵۹ مورد لشکر کشی وسیع جمهوری اسلامی از زمین و هوا قرار گرفت و هزاران نفر زن و مرد و کودک و پیر و جوان قتل عام شدند. بسیاری از این قربانیان در خانه هایشان با خمپاره و موشک و بمب لت و پار شدند. علاوه بر موجود بودن عکس، فیلم و تصویر، شاهدان این وقایع زنده هستند. بنی صدر کسی است که وقتی به ریاست جمهوری اسلامی رسید به ارتش دستور داد که تا غائله کردستان را تمام نکرده اید پوتین نباید از پا در آورید. و اکنون همین شخص مدعی و طلبکار شده است و گویا نیروهایی که در مقابل این تهاجم ایستادگی کردند مقصر بوده اند. اسم این را جز پیشمرمی و وقاحت چه چیز میتوان گذاشت؟

من اینجا بعنوان کسی که در

جریان رویدادهای آندوره و در کل پروسه وقایع قبل از قیام و بعد از آن در کردستان و مشخصا شهر سنندج، از نوروز خونین تا جنگ ۲۴ روزه سنندج و رویدادهای بعد از آن قرار داشته و دخیل بوده ام، لازم میدانم مروری بر جنگ کردستان در سالهای ۵۸ و ۵۹ و بعد از آن داشته باشم و نشان دهم که واقعیات چگونه بوده است.

## فضای حاکم بر نشست

مجری و یا تهیه کننده این برنامه ابتدا بعنوان مقدمه از دیدگاههای مخالف و قرار دادن آنان در مقابل هم پیرامون این موضوع سخن می گوید. برای من که این برنامه را دنبال کرده ام آنچه که غایب بود همانا دیدگاههای مخالف یا متضاد در این "رو در روی" است. بنی صدر بعد از خروج از ایران در ائتلافی با سازمان مجاهدین خلق و حزب دمکرات کردستان ایران، جبهه ای بنام "شورای ملی مقاومت" را تشکیل دادند که بعدا هم عملا این جبهه منحل شد. دعوت و شرکت عبدالرضا کریمی در این "رو در رو"، بنابه موقعیت آن دوره ایشان، انتخاب درست و مناسبی برای مرور و بررسی اتفاقات آن دوران نیست. از این رو انتخاب فردی از حزب دمکرات کردستان ایران آنهم کسی که کمتر شناخته شده است، بعنوان طرف مقابل بنی صدر، تقابل یا بررسی تاریخ وقایع جنگ در کردستان و مشخصا جنگ ۲۴ روزه سنندج بین دو طرف "متفاوت" را نمی تواند بطور عینی و واقعی توضیح دهد. عبدالرضا کریمی خود می گوید که در جریان وقایع سنندج در آنجا حضور نداشته است و در بخش اول این برنامه که ابتدا خود به تنهایی با مجری برنامه سخن میگوید، کل مساله مردم کردستان را خودمختاری، فدرالیسم و حق زبان محلی و امثال اینها تصویر میکند و گویا مردم مشکلی با حاکمیت جمهوری اسلامی نداشته اند. این حقیقتی است که اینها حداکثر سیاستهایی بود که حزب دموکرات دنبال میکرد و به همین دلیل نیز همیشه در پی سازش و مصالحه با جمهوری اسلامی بود. اما مردم

کردستان "گناهاشان" این بود که با انقلاب ۵۷ و سرنگونی دیکتاتوری پهلوی میخواستند به خواستهایشان یعنی خلاصی از دیکتاتوری و سرکوب و فقر و تبعیض برسند و به همین دلیل به جمهوری اسلامی و پادوها، نیروها و سرکوبگرانش تمکین نکردند و پاسخی که گرفتند بمب و خمپاره و موشک و جوخه های اعدام بود. بیننده و شنونده ای که از اوضاع کردستان و جنایات جمهوری اسلامی در سالهای ۵۸ و ۵۹ کوچکترین اطلاعی دارد انتظار این را دارد که ایشان از موضع مخالف، بنی صدر را بعنوان کسی که در کنار خمینی و فرمانده ارتش به سرکوب مردم کردستان پرداخته است مورد مواخذه و زیر فشار قرار دهد اما برعکس این انتظار، ایشان مخلصانه و در فضایی سرشار از تفاهم با بنی صدر صحبت میکنند تا جاییکه بسیاری از گفته های بنی صدر را با گرفتن حالات همدردی گونه ای که از خود نشان میدهد با تکان دادن سر تایید می کند و این دیدار عملا به بازگو کردن درد دل ها و خاطرات هر دو طرف تبدیل میشود. در پایان نیز مجری برنامه با رضایت کامل از وظیفه اش، از خوشحالی دچار ذوق زدگی میشود. او حتی در جایی میگوید

"آقای بنی صدر کار مثبت مفصل زیاد کرده است مخصوصا با آن شهادت شجاعانه اش که نقش اساسی داشت در دادگاه برلین." برای مردم کردستان که عزیزانشان با فرمان خمینی و بنی صدر بی رحمانه کشتار شدند، این اظهارات تنفر انگیز است.

## حکمت انتخاب حزب دمکرات برای این ملاقات

حزب دمکرات کردستان ایران در آندوره علیرغم اینکه تنها یکی از جریانات دخیل در مسایل کردستان بود و بعدها بدنبال تصرف مجدد شهرها از سوی سازمانهای سیاسی در آبان ماه سال ۵۸، عضوی از "هیئت نمایندگی خلق کرد" بود (هیئت نمایندگی خلق کرد متشکل از شخصیهایی از کومه له، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان چریکهای فدایی خلق و عزالدین حسینی بود)، اما در پروسه وقایع کردستان مشخصا عبدالرحمان قاسملو دبیر کل این حزب بارها به

تنهایی با خمینی، بازرگان، طالقانی، منتظری، بنی صدر و هیئت دولت موقت ملاقات و مذاکره میکرد. حزب دمکرات کردستان ایران چه قبل از تشکیل هیئت نمایندگی و چه بعد از آن، ضمن برسمیت شناسی خمینی و حمایت از حاکمیت جدید، می کوشید که از بالای سر مردم و نیروهای سیاسی مطرح تر در کردستان، به تنهایی موقعیتی را برای خود نزد خمینی دست و پا کند. بالاتر نیز به شرکت حزب دمکرات در "شورای ملی مقاومت" اشاره کرد. توضیح این نکات از آن رو اهمیت دارند که بگویم در حالی که سازمانها و نیروهای سیاسی دیگری در این وقایع دخیل بودند و بدرجات زیادی سازمان کومه له که خواستهای مردم انقلابی را نمایندگی میکرد، انتخاب فردی از سوی حزب دمکرات علاوه بر همسویی در دوره ای از همزیستی با بنی صدر، رنج بردن ایشان از نظر محدودیت در اطلاعات لازم و کافی از وقایع که مهمان بنی صدر در این گفتگوی دوستانه بود، برای بررسی يك تاریخ پرتلاطم در وقایع و تحولات آندوران، فاقد اعتبار در بازگو کردن حقیقت و انتقال آن به بیننده و شنونده می باشد. حکمت انتخاب فردی از سوی حزب دمکرات کردستان ایران در دیدار با بنی صدر، خاصیت "نه سیخ بسوزد نه کباب" را دارد.

## توجهات بنی صدر

آنچه که در این برنامه و در اظهارات بنی صدر عنوان شد تازگی نداشت. اینبار نیز بنی صدر علاوه بر دفاع همیشگی از خود و باز هم مقصر دانستن کومه له، "عمدتها" خمینی را مسئول آنچه که در کردستان و مشخصا در جنگ ۲۴ روزه سنندج بوقوع پیوست معرفی می کند. ایشان تلویحا می گوید که از طرف ما یعنی خمینی و دولت، نیرویی که کارشکنی میکرد (خمینی) وجود داشت و از آنطرف هم نیرویی که نمیکذاشت مذاکرات به ثمر برسد (کومه له) وجود داشت. با این بیان میخواست "حقانیت" خود و حزب دمکرات کردستان ایران را که "کارشکنی نمیکردند" ثابت کند! در این برنامه بنی صدر حضور نیروهای مسلح کومه له که اکثریت

قریب به اتفاق آنان را اعضای شوراهای محلات، بخشهای مختلف جامعه، زن و مرد، کارگر، و جوانان دختر و پسر تشکیل می داند را بعنوان افرادی خارج از حیطه زندگی مردم بتصویر میکشد که گویا به زور در خانه های مردم پناه گرفته بودند و برای اثبات این گفته ها نیز نامه حزب دمکرات را شاهد میگیرد که آنها نیز بر این باور بودند که کومه له "آشوبگر" است. این یعنی اوج وقاحتی که بنی صدر در این برنامه از خود بنمایش می گذارد. طرف "مخالف" او نیز این وقاحت را تایید میکند. او در عین حال هرجا که سخن از جنایات جمهوری اسلامی است خود را بیگناه معرفی میکند و همه چیز را به گردن خمینی می اندازد و حتی ارتش و پاسداران را نیز تطهیر میکند. اینکه باید خمینی را بعنوان عامل اصلی همه جنایات انجام گرفته در کردستان و در سراسر ایران بحساب آورد شکی نیست اما نقش و ماهیت ارتجاعی خمینی چیزی از نقش بنی صدر و دیگر رهبران آن دوره که بدور خمینی حلقه زده بودند را در وقایع کردستان بهیچ وجه کم رنگ نمی کند، همانگونه که تا به امروز نقش سرکوبگرانه دیگر مهره های حکومت اسلامی قابل پاک شدن نیست.

بنی صدر می گوید: "در مقابل فرمان عفو خمینی به نیروهای موجود در کردستان مبنی بر کنار گذاشتن اسلحه، به آنها گفته بودم این کار را نکنید (منظورش خطاب به حزب دمکرات کردستان ایران است). چون اگر اسلحه زمین بگذارید قتل عام خواهید شد." در ادامه می افزاید: "من در سفر بودم از رادیو شنیدم که خمینی بعنوان فرمانده کل قوا دستور حمله داده است. سر راه گفتم به راننده برویم به طرف قم. به منزل اشرافی که خمینی آنجا بود رفتم و از سر پرسیدم: همچین چیزی شما امضا کردید؟ گفت بله. گفتم: مردم شما را معنویت می دانند از آسمان معنویت فرود آمدید. عین اعلحضرت همایونی بزرگ ارتش داران؟ یعنی چی چطور این را امضا کردید بعنوان فرمانده کل قوا؟ شما حکومت تعیین کردید اختیار به اون حکومت است شما چرا خودتان را

## از صفحه ۳ "پوتین های بنی صدر و ..."



وارد این قضیه کردید؟ شما مثل پدر باید آشتی ایجاد بکنید. خمینی گفت: به من گفته اند ارتشیان عمل نخواهند کرد مگر اینکه من این کار را بکنم. گفتم: مگر هر چه گفتند باید شما عمل کنید؟ شما یک مقام معنوی هستید نه یک فرمانده کل قوا که دستور جنگ صادر میکند یا یک قسمت از کشور خودش. بله این اعتراض را به او کردم."

همگان می دانند که هیچک از مقامات، زبردستان و پادوهای آندوره خمینی با چنین لحن و بیانی که بنی صدر در این برنامه از خود بروز میدهد نمی توانستند با خمینی حرف بزنند. اکنون هم برای تبرئه خود و بعد از گذشت بیش از سه دهه از آن تاریخ می گوید: "منظور من از ختم غائله کردستان، سرکوب یاغی ها بوده است نه مردم کردستان". یاغی ها هم از نگاه بنی صدر و خمینی، همان نیروهای سیاسی مسلح، شوراهای محلات، چپ برآمده از بطن جامعه که خواست و مطالبات انقلاب ۵۷ را نمایندگی میکرد و هر بار دولت موقت برای مذاکره با آنان به کردستان می آمد بودند. بنی صدر سالها در رکاب کسی چون خمینی بود که در وحشت از تداوم مسیر درست انقلاب مردم ایران گفته بود: "من فرمان قیام ندادم".

یا باید از بنی صدر بپزیریم که همان فرمان صادر کردن خمینی بقول ایشان حمله به یک قسمت از کشور خودش است که ایشان توصیه کرده به آن بخش از کشور که اسلحه زمین نگذارند و گرنه قتل عام خواهند شد، یا گفته های شخص بنی صدر را بپزیریم که برای ختم غائله کردستان و پاک کردن یاغی ها ارتش پوتین از پا در نیآورد. بنی صدر هم میکوشد خود را همه کاره جلوه دهد که حتی جرات تحکم و پرخاش به خمینی را داشته است، هم وقتی پای جنگ عراق و دستور به ارتش و پاسداران است خود را دستور دهنده و سیاستگذار معرفی میکند،

ردیف جنایات و عملکردی بود که داعش در کوبانی، شنگال و کل منطقه انجام داد و می دهد. متأسفانه آن دوران تکنولوژی و میدیای اجتماعی در چنین سطحی که امروز هست وجود نداشت که تصاویر توحش اسلام خمینی را در مقابل چشم جهانیان قرار دهد.

## نوروز خونین سنندج و جنگ ۲۴ روزه سنندج



گاهها اینجا و آنجا به اشتباه یا از سرعدم اطلاع دقیق از وقایع آن دوران، جنگ ۲۴ روزه سنندج و نوروز خونین سنندج بعضا یکی پنداشته میشود. بین این دو اتفاق ۱۳ ماه زمان وجود دارد که نوروز خونین و جنگ ۲۴ روزه سنندج را از هم تفکیک میکند. واقعه نوروز خونین سنندج از اینجا آغاز شد که دارو دسته احمد مفتی زاده همراه با چند نفر از هواداران خمینی به سرپرستی شخصی بنام صفدری، در صدد باز کردن جای پای بنی صدر در سنندج بود که استانداری سنندج را به کانون تجمع نیروهای خود تبدیل کرده بود و صفدری نماینده خمینی نیز پادگان سنندج را برای ادامه سرکوب قیام و انقلاب مردم انتخاب کرده بود. نیروهای صفدری علاوه بر پادگان، در داخل شهر سنندج نیز یک مقر اصلی دایر کرده بودند. بین این دو جریان مذهبی (صفدری و مفتی زاده) در رقابت با هم و برای حفظ برتری طلبی یکی بر دیگری، اختلافاتی بروز میکند که منجر به درگیری میشود. درگیری آنان سبب کشته شدن یک نفر و زخمی شدن سه نفر دیگر در شهر سنندج شد. این اتفاق در روز ۲۶ اسفند ۵۷ یعنی چهار روز قبل از آغاز نوروز خونین سنندج روی میدهد. این ماجرا سبب شد که تظاهرات گسترده ای از سوی مردم در سنندج علیه این دو جریان مذهبی شکل بگیرد. مردم به مقر استقرار نیروهای صفدری نماینده خمینی در داخل شهر حمله میکنند و بساط این جریان را در هم

میپیچند. این واقعه بهانه ای برای دستور حمله خمینی به نیروهای ارتش و سپاه به سنندج و ایجاد نوروز خونین سنندج در اول فروردین ۵۸ گردید.

همانطور که اشاره شد زمینهای های شروع نوروز خونین سنندج در تاریخ ۲۶ اسفند ۵۷ شکل گرفت که با جنگ ۲۴ روزه سنندج که ۱۳ ماه بعد از آن و در اولین روز اردیبهشت ۵۹ آغاز شد، در واقع دو رویداد از نظر تاریخی متفاوت اما در اصل مرتبط و در ادامه یکدیگر هستند. این تاریخ از سوی بسیاری از افراد و شخصیتهایی که در وقایع کردستان و در مقطع بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی شرکت داشته اند بصورت جزوه یا نوشته های دیگری مکتوب شده است. بسهم خود در کتاب "تاریخ یکدوره، مختصری از فعالیت سیاسی در کردستان" که در سپتامبر ۲۰۱۴ منتشر شده است تا حدودی وقایع و رویدادهای کردستان را بازگو کرده ام و مستنداتی از مواضع حزب دمکرات کردستان ایران و همچنین نقش بنی صدر، در این کتاب مورد اشاره قرار گرفته است.

## مهمترین رویدادهای ۱۳ ماه



بعد از نوروز خونین سنندج و بازگشت آرامش به شهر تا جنگ ۲۴ روزه سنندج یعنی در فاصله ۱۳ ماه، تحولات و اتفاقات بسیاری روی داد، از جمله: "تشکیل شورای اداره امور شهر سنندج در ۲۴ فروردین ۵۸، اعتراضات و تظاهراتهای مردم علیه حضور نیروهای سپاه و ارتش در داخل شهر، درگیری مردم و نیروهای سیاسی مسلح با مزدوران محلی در مریوان بتاريخ ۲۳ تیرماه ۵۸ و متعاقب آن کوچ مردم مریوان به بیرون از شهر در تاریخ ۳۰ تیرماه ۵۸، راهپیمایی هزاران نفر از مردم سنندج در روز ۵ مردادماه ۵۸ بطرف مریوان در حمایت از این کوچ تاریخی، فرمان حمله خمینی در ۲۸ مرداد ۵۸ و متعاقب آن اعدامهای دسته جمعی توسط خلخالی، فاجعه قارنا در روز ۱۱ اردیبهشت ۵۸، تصرف مجدد شهرهای کردستان از سوی نیروهای

مسلح سازمانهای سیاسی با شرکت وسیع مردم و شکست و عقب نشینی نیروهای مسلح سپاه و ارتش در آبان ۵۸ از داخل و اطراف شهرهای کردستان و بدنبال آن تشکیل هیئت نمایندگی خلق کرد، از سرگیری مجدد مذاکرات نمایندگان دولت با هیئت نمایندگی خلق کرد، تحصن یکماهه مردم سنندج با خواست خروج نیروهای ارتش و سپاه در اواسط دیماه ۵۸ و بالاخره وقوع جنگ ۲۴ روزه سنندج در اول اردیبهشت ۵۹ را میتوان بعنوان مهمترین رویدادهای این ۱۳ ماه برشمرد. بدین ترتیب در فاصله نوروز خونین تا جنگ ۲۴ روزه سنندج این رویدادها بوقوع پیوست.

## تعریف و دروغپردازی بنی صدر

بنی صدر در این برنامه حق دارد که بعنوان مرید خمینی و یکی از مهره های اصلی حکومت جدید که خواب ریاست جمهوری را می دید، هر گونه وقایعی را که با طرح و ترفند حکومت تازه بقدرت رسیده اسلامی بوجود می آمد را به کومه له نسبت دهد، چرا که مردم و نیرویی همچون کومه له را مانع جدی در راه تحقق آرزوهای خود و استقرار حکومت اسلامی ارزیابی میکرد.

طی سالهای گذشته و بمناسبت رویدادهای کردستان، بنی صدر، چه بعنوان رئیس جمهور و چه بعنوان عضو شورای انقلاب کوشیده بود نقش خود را بعنوان مختلف در سرکوب مبارزات مردم کردستان، (نه آنگونه که عبدالرضا کریمی می گوید بخاطر فدرالیسم، خودمختاری و غیره، بلکه اساسا بخاطر دفاع از دستاوردهای قیام و انقلاب مردم ایران) یا انکار کند و یا مسئولیت رویدادهای کردستان را بگردن احزاب سیاسی و مشخصا کومه له بیاندازد. او پیشتر گفته بود که کومه له قصد تجزیه کردستان را دارد و به همین منظور از حکومت صدام حسین کمک تسلیحاتی دریافت میکند. علاوه بر این گفته بود که در جریان جنگ ایران و عراق کومه له با حکومت بعث علیه نیروهای جمهوری اسلامی همکاری داشته است. تناقض و دروغ پردازی بنی صدر آنجا آشکار میشود که در گفتگوی اخیرش در برنامه "رو در صفحه ۵

## از صفحه ۴ "پوتین های بنی صدر و ..."



رو"، نمی تواند این افتضاح را که نوروز خونین سنندج حدودا یکسال و نیم قبل از جنگ ایران و عراق، و جنگ تحمیل شده ۲۴ روزه سنندج حدودا پنج ماه قبل از شروع جنگ ایران و عراق اتفاق افتاد ببوشاند. در ثانی نه تنها بنی صدر بلکه حتی خمینی و دیگر مقامات دولت موقت نیز این را بخوبی می دانستند که چنین اتهامی هیچگاه واقعیت نداشته است و آنان فقط برای عوامفریبی و توجیهات عوام پسند در حمله به کردستان و سنندج به چنین ترفندهای نخ نمایی آویزان شده بودند. در رابطه با همین موضوع توجیه و داستان سرانی بنی صدر بسیار مضحك است. می گوید: "قطب زاده يك نقشه جنگی خرید به قیمت ۲۰۰ هزار دلار که عین این نقشه را مرحوم مکرری (سفیر ایران در مسکو) آورد پیش من که هر دو يك محتوا داشت. که طرحی که قبلا گفتم یکی کودتای نوژه بود بعد هم حمله به غرب ایران و تصرف بخشی از غرب ایران و به ظاهر توسط نیروهای ایرانی بعد اعلام حکومت برای تصرف بقیه ایران. از این رو ما میدانستیم حمله عراق به ایران وجود دارد".

این داستان سرایی و رجوع به کسی چون قطب زاده که اکنون زنده نیست قرار است توجیه گر لشکر کشی به کردستان به بهانه آمادگی برای جنگ با عراق باشد که شش ماه بعد آغاز شد.

## ناخشنودی از کومه له

بالاخر گفتم که حمله و لشکر کشی به کردستان آنگونه که عبدالرضا کریمی میگوید گویا بخاطر خواست خودمختاری، فدرالیسم و زبان محلی و غیره بوده است، واقعیت ندارد. این مسایل بصورت دست و پا شکسته اینجا و آنجا مشخصا از سوی حزب دمکرات مطرح میشد که قاسم سلو به هر چیزی قانع بود اما مساله اساسی مردم در اصل به این خاطر نبود. کومه له یکی از اصلی ترین

نیروهای سیاسی مطرح در وقایع کردستان بویژه در جنوب کردستان و شهر سنندج بود که خمینی، بنی صدر، دولت موقت و حزب دمکرات کردستان ایران این سازمان را که از نفوذ اجتماعی و محبوبیت توده ای برخوردار بود مانعی برای رسیدن به بند و بست بین خود می دانستند. هاشمی رفسنجانی در همان ایام گفته بود: "هیئت حسن نیت باید با جناح عزالدین حسینی و دمکرات به توافق برسد و دیگر گروههای کوچکتر تابعیت کنند". کومه له آن نیرویی بود که بدلیل دفاع قاطعانه و سازش ناپذیرش از خواستههای انقلابی مردم از یک سو و از سوی دیگر از آنجا که پیدایش جریان مذهبی خمینی و مکتب قرآن محلی مفتی زاده را بعنوان مانع اصلی در مقابل خواستههای انقلابی مردم ارزیابی میکرد، از طرف خمینی و نمایندگان دولت موقت نسبت به این سازمان چندان روی خوش نشان داده نمیشد. تلاش و تقلا برای به حاشیه راندن نقش کومه له از این نظر برای آنان مطرح بود که کومه له نه تنها بعنوان نیرویی چپ که از موقعیت اجتماعی و نفوذ توده ای گسترده ای برخوردار بود بلکه علاوه بر این، آینده روند اوضاع را با ظهور جریان مذهبی خمینی، خلاف توقع و انتظارات مردم از مطالبات و خواستههای انقلابیشان میدانست و از طرف دیگر برای دولت موقت که گوش بفرمان خمینی در بشکست کشانیدن انقلاب مردم که علائم آن همچنان در کردستان به مقاومت و ایستادگی خود ادامه میداند ناخشنود بودند. علاوه بر کومه له، سازمان چریکهای فدایی، سازمان پیکار و برخی دیگر از جریانات سیاسی در وقایع کردستان دخیل بودند. خمینی، هیئت دولت موقت و حزب دمکرات کردستان ایران، قدرت و وجود گرایش چپ اجتماعی در کردستان را می دیدند. علاوه بر این حضور چشمگیر جریانات مختلف سیاسی چپ و کمونیست بویژه در تهران و همسویی آنان با خواستههای انقلابی مردم کردستان، ارتباط نزدیک و تنگاتنگ بین سنندج و تهران و آمد و رفت های هر روزه مردم از تهران به سنندج بویژه در طول پنج ماه قبل از شروع جنگ

۲۴ روزه سنندج، این هراس و وحشت را در خمینی و دولت موقت بوجود آورده بود که تا جاییکه در توان دارند باید با هر طرح، ترفند و نقشه ای آنرا کنار بزنند. سنندج کانون حضور چپ اجتماعی، تقابل با مذهب و مدافع سرسخت و پیگیر خواستههای انقلاب بود و این آنچیزی بود که خمینی، بنی صدر و دولت موقت هیچگاه نمی خواستند آنرا بپذیرند و با تمام قدرت در کوبیدن آن تلاش میکردند.

واقعه نوروز خونین سنندج، فرمان حمله ۲۸ مرداد ۵۸ خمینی، اعدامهای دسته جمعی خلخالی و تحمیل جنگ ۲۴ روزه سنندج و بسیاری دیگر از لشکرکشیها به کردستان همگی در جهت کوبیدن مرکز و کانون چپ در کردستان و مشخصا شهر سنندج بود. فرمان بنی صدر مبنی بر "ارتش حق ندارد پوتین از پا درآورد مگر اینکه این خطه را از وجود این یاغی ها پاک کند" درست در راستای این سیاست بود که امروز و بعد از گذشت بیش از سه دهه ایشان در صدد توجیه آن است؛ غافل از این که همین عبارت بر پیشانی اش خالکوبی شده است.

## ارتش حق ندارد پوتین از پا در آورد

بنی صدر در مورد عوارض و صدمات ناشی از جنگ ۲۴ روزه سنندج که بمدت ۲۴ شبانه روز در محاصره نظامی کامل ارتش و سپاه قرار داشت و از زمین و هوا کوبیده میشد میگوید: "در نتیجه این جنگ فقط در و پنجره و شیشه های منازل مردم خسارت دید". این یعنی توجیه وقیحانه کل جنایات جمهوری اسلامی در کردستان که اسناد زیادی در مورد آن موجود است. بنی صدر برای تظہیر خود دارد تقلا میکند يك تاريخ پر از جنایت را کلا پاک کند. کم جلوه دادن فجایع آن دوران و ناچیز جلوه دادن نقش خود او در همدستی با خمینی، خلخالی، ارتش و سپاه پاسداران آن چیزی است که شاهدش هستیم. در آن جنگ بیش از پنج هزار گلوله توپ و خمپاره و صدها راکت بر سر مردم شهر فرو ریخته شد. هزاران خانه را ویران نمودند. صدها نفر از مردم شهر کشته و هزاران نفر زخمی بر جای ماند، تا جاییکه مردم جنازه کشته ها را در حیاط خانه هایشان

دفن میکردند. تصاویر این کشت و کشتار بوقور قابل دسترس است که تعدادی از آنها حتی در حسین صحبتهای بنی صدر از تلویزیون "من و تو" پخش شد آنگاه ایشان با بیشرمی تمام می فرمایند "تعدادی در و پنجره و شیشه های منازل مردم خراب شد".

بنی صدر برای انکار نقش خود در سرکوب مردم کردستان مدام این را تکرار میکند که: "من در ۲۸ مرداد ۵۸ خطاب به ارتش و سپاه نگفتم ام که تا خاتمه غائله کردستان پوتین هایتان را از پا در نیآورید". دلیلی که می آورد این است که می گوید در مقطع فرمان حمله خمینی در ۲۸ مرداد ۵۸ به کردستان، هنوز رئیس جمهور و فرمانده کل قوا نبوده است که چنین حرفی زده باشد بلکه در آن تاریخ عضو شورای انقلاب بوده و در نتیجه چنین گفته ای و نسبت دادن آن به ایشان نادرست است. البته این سخنان بنوعی برای رد گم کردن این مسئله است. بنی صدر تقدم و تاخر تاریخی در این زمینه را درست میگوید چرا که ایشان پنج ماه بعد از فرمان حمله خمینی به کردستان، در تاریخ ۲۵ دیماه سال ۵۸ یعنی حدودا پنج ماه بعد از فرمان تاریخی امامش به ریاست جمهوری انتخاب شد. کسی هم نگفته است که بنی صدر در مقطع ۲۸ مرداد ۵۸ چنین سخنرانی بسیج دهنده ای کرده است بلکه این سخنان را ایشان در مقام رئیس جمهور و فرمانده کل قوا در تاریخ ۱۴ فروردین ۵۹ یعنی درست ۱۶ روز قبل از شروع جنگ ۲۴ روزه سنندج و ۱۱۰ روز بعد از انتخاب شدنش به ریاست جمهوری اسلامی این سخنرانی را انجام داد و در روزنامه اطلاعات ۱۴ فروردین ۵۹ منتشر شد. ویدئوی همین سخنرانی را در لینک زیر می توانید مشاهده کرده و بشنوید.

توجیه و فرار بنی صدر از این سخنان در مقطع کنونی این است که می گوید: "منظور او مردم کردستان نبوده است بلکه منظورش آن افراد یاغی ای بوده است که این گروهان گیری را انجام داده اند". با توجه به آنچه که در این نوشته به آن پرداخته شد در يك جمله می توان گفت که تمام وقایع و رویدادهای کردستان، لشکرکشی ها، توپ و خمپاره باران، اعدامهای دسته جمعی، کشتار مردم بدستور خمینی، صدور فرمان بنی صدر و هر يك از مقامات آندوره، فقط بخاطر به شکست کشانیدن انقلاب مردم ایران بود. برگزاری برنامه هایی از نوع برنامه "رو در رو" از سوی شبکه تلویزیون "من و تو" که رسالت آن دوران بی بی سی را دارد انجام می دهد، نمی تواند نسل جدید جوان در جامعه ایران را از حقایق آن تاریخ منحرف کند، چرا که با دروغپردازی امثال بنی صدر و مهندسی افکار در تحریف حقیقت، مردم و نسل جوان در ایران حکم به رفتن جمهوری اسلامی داده اند. برخلاف عبدالرضا کریمی که در پایان ملاقاتش با بنی صدر گفت: "می بخشم ولی فراموش نمی کنم"، مردم کردستان نه می بخشدند و نه فراموش خواهند کرد.

روزنامه اطلاعات پنجشنبه ۱۴ فروردین ۵۹ این بخش از سخنرانی بنی صدر را منتشر کرد: "کسی که یاغی گری پیشه کرده و عده ای را به گروهان گرفته و از جمله فرماندار خوی. دیروز در اجتماع شورای امنیت ملی ما این مسئله گفته شد

که آنها سه روحانی فرزند پیغمبر را کشته اند و شش نظامی را تهدید کرده اند که اگر تا ۲۴ ساعت پادگانهای ژاندارمری را منحل نکنید و چون عده ای از آنها گرفتار شده اند و گفته اند اگر گروهانهای ما را رها نکنید ما گروهانهای شما را خواهیم کشت. در آنجا گفته شد که مبادله انجام بگیرد. من مخالف بودم و مخالفم. کسانی که در خدمت جمهوری اسلامی قبول خدمت می کنند شهادت قدم اول آنها است و باید آماده شهادت باشند. اگر رئیس جمهوری ما را هم به گروهان بگیرند شما حق ندارید تسلیم منطق دشمن بشوید بنابراین اگر اینها تهدید خود را اجرا کردند وانا الا علیه راجعون و ما آن گروهانها را شهید ملت تلقی میکنیم اما از همین لحظه ارتش حق ندارد پوتین از پا در آورد مگر اینکه این خطه را از وجود این یاغی ها پاک کند".

توجیه و فرار بنی صدر از این سخنان در مقطع کنونی این است که می گوید: "منظور او مردم کردستان نبوده است بلکه منظورش آن افراد یاغی ای بوده است که این گروهان گیری را انجام داده اند". با توجه به آنچه که در این نوشته به آن پرداخته شد در يك جمله می توان گفت که تمام وقایع و رویدادهای کردستان، لشکرکشی ها، توپ و خمپاره باران، اعدامهای دسته جمعی، کشتار مردم بدستور خمینی، صدور فرمان بنی صدر و هر يك از مقامات آندوره، فقط بخاطر به شکست کشانیدن انقلاب مردم ایران بود. برگزاری برنامه هایی از نوع برنامه "رو در رو" از سوی شبکه تلویزیون "من و تو" که رسالت آن دوران بی بی سی را دارد انجام می دهد، نمی تواند نسل جدید جوان در جامعه ایران را از حقایق آن تاریخ منحرف کند، چرا که با دروغپردازی امثال بنی صدر و مهندسی افکار در تحریف حقیقت، مردم و نسل جوان در ایران حکم به رفتن جمهوری اسلامی داده اند. برخلاف عبدالرضا کریمی که در پایان ملاقاتش با بنی صدر گفت: "می بخشم ولی فراموش نمی کنم"، مردم کردستان نه می بخشدند و نه فراموش خواهند کرد.

۹ مارس ۲۰۱۵

۱۸ اسفند ۸۳

<https://www.youtube.com/watch?v=hibQbGWxzAI#t=۱۸>



### تخریب اماکن مسکونی

اعدام محکوم گردیده است.

۹ اسفند: مامورین شهرداری منطقه یک شهر سنندج در حمایت نیروی انتظامی به یک منزل مسکونی در یکی از محلات شهر سنندج به نام "تیق تقان" حمله کرده و ساکنین آن را با پاشاندن گاز فلفل از خانه بیرون کشیده اند. سپس به بهانه نداشتن مجوز ساخت، منزل را تخریب و با خاک یکسان کردند. در جریان یورش نیروی انتظامی به اعضای این خانواده، کودکی ۴ ماهه به علت استفاده مامورین از گاز فلفل مسموم و در بیمارستان بستری و فرزندان پسر این خانواده در زندان بسر می برند.

### اعتراض زندانیان

سمکو خلقتی، سالار ستوده، امید زارعی نژاد، محمد شجاعی و امیر دوربین قاضیانیه به عدم رعایت اصل تفکیک جرایم، محرومیت از حداقل امکانات بهداشتی، آموزشی، رفاهی نیز اعتراض دارند. هم اکنون در سلول انفرادی زندان اوین نگهداری می شوند.

### انتقال به سلول انفرادی

۱۷ اسفند: بختیار معماری زندانی سیاسی محکوم به اعدام به دلایلی نامعلومی بنا به تصمیم مسئولان زندان سنندج به سلول انفرادی این زندان انتقال یافت. بختیار معماری سیزدهم مردادماه ۸۹ توسط نیروهای امنیتی اداره اطلاعات میروان بازداشت و پس از آن به بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج منتقل و به مدت سه ماه مورد بازجویی و ضرب و شتم قرار گرفته بود. وی که ۴ سال و شش ماه است در زندان بسر می برد به اتهام "محرابه از طریق عضویت در یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران" در دادگاه انقلاب میروان به ریاست قاضی لطفی به

### نمایش "هاواری کوبانی" در هفت تابلوی متمایز

نمایش "هاواری کوبانی" در هفت تابلوی متمایز در سبک و روش تئاتر مستند در نیمه دوم اسفندماه سال جاری در دانشگاه کردستان به روی سن می رود. در این نمایش، جنایتهای غیرانسانی گروه "دولت اسلامی" و رنج آوارگی، کشتار زنان، مردان و کودکان کوبانی و شنگال به زبان کردی روایت می شود. این نمایش کاری از گروه "تئاتر تیک تاک" و طراح آفتاب و بروشور نمایش سمن ناصری می باشد. هران مکاری، سجاد عسکری، سیاوش جدیدی، رامیار بهمنی، زانا رستمی، کیانوش گل سرشت، سالار کنعانی، پژمان بیگی، سارینا پناهیده، حدیث مرادی، سیده سوما حسینی، سارا روشنی، نارین محمدی و پژوین زندی از بازیگرانی هستند که در این اثر نمایشی به ایفای نقش می پردازند.

### ۷۸ روستای بیچار سال آینده با بحران خشکسالی مواجه می شوند

مدیرکل آبفای کردستان با بیان اینکه ۷۸ روستای بیچار در سال آینده با بحران جدی خشکسالی مواجه می شوند، گفت: استان کردستان از نظر تجهیزات نیز در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و در کل استان ۲ تانکر آبرسانی سیار وجود دارد.

### کارگران ۷۲۷ هزار نفر لیسانسه بیکار ۱۰۰ هزار نفر دکتر شدند ولی بیکارند!

به گزارش خبرنگار مهر: جدیدترین گزارش دولت از بازار کار نشان می دهد بیشترین تعداد بیکاران هم اکنون لیسانس دارند، ۱۰۵ هزار نفر فوق لیسانس و پزشکی خوانده اند ولی بیکارند و آمار غیرفعال و سرگردانی به طرز عجیبی میلیونی شده است. بررسی جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران از وضعیت اشتغال و بیکاری در کشور بر اساس سطح سواد افراد نشان می دهد هم اکنون ۱۲ میلیون و ۱۸۰ هزار و ۵۴۲ نفر دارای دیپلم و پیش دانشگاهی هستند که از این تعداد ۵ میلیون و ۳۰۷ هزار و ۴۱۲ نفر فعال، ۴ میلیون و ۶۸۷ هزار و ۳۹۲ نفر شاغل و ۶۲۰ هزار و ۱۹ نفر نیز بیکار هستند. در این گروه، ۶ میلیون و ۸۷۳ هزار و ۱۳۰ نفر

غیرفعال هستند که یک میلیون و ۶۵۳ هزار و ۸۵۸ نفر آن مرد و ۵ میلیون و ۳۰۹ هزار و ۲۷۲ نفر نیز زن هستند. در مقطع فوق دیپلم، ۲ میلیون و ۶۷۵ هزار و ۲۳۶ نفر داریم که از این تعداد نیز یک میلیون و ۴۴۴ هزار و ۵۸۷ نفر غیرفعال و یک میلیون و ۵۰ هزار و ۶۳۹ نفر فوق دیپلم کشور ۱۸۴ هزار نفر اعلام شده است. بر پایه این گزارش، تعداد کل افراد دارای لیسانس کشور در آخرین اعلام مرکز آمار ایران ۷ میلیون و ۱۷۴ هزار نفر است که از این تعداد ۳ میلیون و ۴۰۴ هزار و ۱۰۶ نفر فعال، ۲ میلیون و ۶۶۶ هزار و ۷۶۱ نفر شاغل و ۷۲۷ هزار و ۳۴۵ نفر بیکار هستند. مجموع افراد غیرفعال در این گروه تحصیلی، ۳ میلیون و ۷۶۹ هزار و ۸۹۴ نفر است.

### حادثه در تونل کبیر کوه استان ایلام جان یک کارگر را گرفت

۱۶ اسفند: یکی از کارگران بخش آتش کار احداث تونل بزرگ کبیرکوه بر اثر سقوط سنگ از سقف تونل جان خود را از دست می دهد. سقوط سنگ از سقف تونل پس از خرج گذاری در چاله های مورد نظر برای انفجار روی داده و به محض اینکه کارگر در حال خروج از تونل بوده است به قطعه سنگی برخورد و جان خود را از دست می دهد.

### خلیل کریمی به ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج احضار شد

خلیل کریمی از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران صبح روز ۱۴ اسفند به اداره اطلاعات سنندج احضار و پس از نزدیک به سه ساعت بازجویی آزاد شد. در این بازجویی مامورین ستاد خبری اداره اطلاعات شهر سنندج با غیر قانونی خواندن اتحادیه آزاد کارگران ایران، متنی را مبنی بر اینکه اینجانب (خلیل کریمی) تاکنون عضو و فعال اتحادیه آزاد کارگران بوده ام و از این پس از این اتحادیه استعفا میدهم در برابر او گذاشتند و از وی خواستند تا آنرا امضا کند.

اما خلیل کریمی با امتناع از امضای این متن، از موجودیت قانونی اتحادیه و تداوم فعالیتهاش دفاع کرد. همچنین در این بازجویی با اشاره به برگزاری تجمع کارگری در

مقابل مجلس که روز پنجم اسفند ماه در اعتراض به حداقل مزد خفت بار برگزار شده بود، چنین تجمعاتی غیر قانونی اعلام شد و خلیل کریمی در دفاع از حق اعتراض کارگران، برگزاری چنین تجمعاتی را حق مسلم کارگران خواند و بر ادامه فعالیتهاش به عنوان یک کارگر در اتحادیه آزاد کارگران ایران تاکید نمود. در این بازجویی مامورین امنیتی اعلام کردند از این پس با اتحادیه آزاد کارگران ایران برخورد شدید تری خواهند کرد و به هر شکلی مانع تداوم فعالیتهای آن خواهند شد. اتحادیه آزاد کارگران ایران با محکوم کردن سیاست سرکوب اعتراضات کارگری و تعرض به فعالین کارگری مستقل، منجمله تعرض به اعضا و فعالین خود که با محاکمه جمیل محمدی و سپس محاکمه جعفر عظیم زاده و هم اینک احضار و بازجویی خلیل کریمی ابعاد تازه ای پیدا کرده است اعلام میدارد: کارگران ایران نه تنها در دفاع از حقوق انسانی خود مرعوب هیچگونه سیاست بگیر و بندی نخواهند شد بلکه شرایط فلاکت بار موجود و تلاش بی وقفه حکومت گران در تحمیل فقر و فلاکت بیشتر بر میلیونها خانواده کارگری، آنان را بیش از پیش به سمت اعتراضات متحدانه و تعیین کننده ای سوق خواهد داد. نمایشود هم فقر و فلاکت و گرسنگی را بر میلیونها کارگر تحمیل کرد و هم زبان اعتراضی آنان را بست. چنین سیاستهایی در هیچ جایی از جهان در هیچ تاریخی راه به جانی نبرده است و بی تردید در ایران قرن ۲۱ نیز راه به جانی نخواهد برد. اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۱۴ اسفند ماه ۱۳۹۳

### چرا با کارگران دشمنی می کنید؟

محاکمه جمیل محمدی و جعفر عظیم زاده را محکوم می کنیم !!! چرا به جای رسیدگی به شکایات، اعتراضات و درخواست های کارگران آنها را محاکمه و زندانی می کنید؟ با محاکمه و زندانی کردن معلمان و کارگران از چه کسانی دفاع می کنید؟ مگر کارگران و معلمان چه می خواهند؟ آیا غیر از زندگی کردن، حفظ

## نگاه هفته: مجموعه ای از اخبار ...

از صفحه ۶

خانواده، داشتن شغل، دریافت دستمزد متناسب با تورم و حق اعتصاب، ایجاد تشکل های مستقل خود و حق نفس کشیدن، داشتن بیمه و تامین اجتماعی، دفاع از حقوق قانونی خود و امکان برقراری زندگی انسانی چه می خواهند؟ که این گونه با اتهامات واهی و ساختگی فعالین و نمایندگان کارگران و معلمان را محاکمه و زندانی می کنید؟ بدنبال افزایش اعتراضات، تجمعات و اعتصابات کارگران، معلمان و پرستاران و بازنشستگان و ... و تمام بلا انقطاع بسیاری از اعتصابات، دولت و دادگاهها دست به اقدامات منظم، سازمانیافته و معنا دار در سرکوب کارگران و معلمان زده اند، در این راستا اقدام به محاکمه کارگران و معلمان با اتهامات واهی کرده اند، تا شاید بتوانند با ترساندن کارگران و فعالین کارگری اعتراضات، تجمعات و اعتصابات را کنترل و کمتر کرده در نهایت سر کوب و از بین ببرند، در پی چنین سیاست ضد کارگری است که جمیل محمدی و جعفر عظیم زاده را محاکمه کردند و هر کدام را با استناد به اتهامات غیر واقعی به سه سال و نیم محکوم نمودند، در حالی که هنوز کارگران بسیاری از جمله بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ زمانی، محمد جراحی و دهها کارگر دیگر با اتهامات غیر واقعی و فقط به جرم اینکه برای متشکل کردن کارگران فعالیت کرده اند، در زندانها به سر می برند، آنها بس نبوده و اکنون می خواهند جمیل و جعفر را نیز زندانی کنند. ما ضمن محکوم کردن تعقیب، محاکمه و زندانی کردن کارگران، معلمان و فعالین جنبش های مختلف اجتماعی، می خواهیم هرچه زودتر و بدون قید و شرط، تعقیب و محاکمه زندانیان قطع شده و حکم برائت جمیل محمدی و جعفر عظیم زاده صادر شود، و همچنین می خواهیم هر چه زودتر و بدون قید و شرط کارگران و معلمان زندانی آزاد شوند. ما از تشکل ها، کارگران، معلمان، زنان، پرستاران، دانشجویان، دانش آموزان، جوانان و تمامی مردم آزادیخواه می خواهیم به محاکمه، و تعقیب و زندانی کردن

کارگران، معلمان و فعالین جنبش های مختلف اعتراض نمایند، و هم چنین در اعتراضات کارگران، زنان، معلمان شرکت کرده ضمن اینکه خواهان مطالبات مشترک بوده، خواهان آزادی زندانیان کارگری و سیاسی بخصوص خواهان عدم تعقیب و محاکمه جمیل محمدی و جعفر عظیم زاده باشند. تنها راه نجات ما زحمتکشان در اتحاد و همبستگی ماست. کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری

## در محکومیت بازداشت کوروش بخشنده فعال کارگری

کارگران، تشکل های کارگری، انسان های شریف و آزاده، در ادامه احضار، تهدید و بازداشت فعالین کارگری در شهر سنندج روز شنبه شانزدهم اسفند ماه کوروش بخشنده از فعالین کارگری شهر سنندج عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و همچنین عضو هیات اجرایی کمیته دفاع از فعالین کارگری مهیاد بازداشت و به مکان نا معلومی منتقل گردید. کمیته دفاع از فعالین کارگری مهیاد ضمن محکومیت بازداشت کوروش بخشنده و تهدید و احضار دیگر فعالین کارگری خواستار آزادی بدون قید و شرط کوروش بخشنده و دیگر کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است. هفدهم اسفند ۱۳۹۳

## احضار و تهدید محمد عبیدی پور

بنا بر خبر دریافتی، شامگاه شنبه ۱۶ اسفند ۹۳ محمد عبیدی پور از اعضای کمیته هماهنگی در شهر سقز به اداره اطلاعات این شهر احضار و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفت که وی در این بازجویی ها از کمیته هماهنگی و فعالیت هایش دفاع کرده است. بازجویان اداره اطلاعات نسبت به برگزاری مراسم ۸ مارس در شهر سقز و توسط اعضای کمیته هماهنگی هشدار داده و اعلام کرده اند در صورت برگزاری مراسم در خیابان و در سطح عمومی در شهر با تجمع کنندگان برخورد امنیتی خواهد شد. همچنین عبیدی پور در مورد توزیع تراکت توزیع شده در شهر سقز در ارتباط با دستمزد و نیز حضور وی در منزل افشین ندیمی پس از آزادی

وی از زندان مورد سوال قرار گرفته است. محمد عبیدی پور که تهدید به تبعید و حبس شده است در این بازجویی ها از فعالیت های خود و اعضای کمیته هماهنگی در راستای دفاع از حقوق طبقاتی کارگران دفاع کرده است. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن اعلام پشتیبانی از اعضای خود هرگونه احضار و برخورد امنیتی با اعضای خود و دیگر کارگران و فعالین کارگری را محکوم می کند و برگزاری مراسم هایی نظیر ۸ مارس روز جهانی زن و نیز اول ماه مه روز جهانی کارگر و حق تجمع و اعتراض را برای تمامی کارگران و فعالین کارگری را جزو حقوق بدیهی و اولیه آنان می داند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

## احضار فعال کارگری، حامد محمود نژاد به ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج

بنا به گزارش رسیده، در آستانه فرارسیدن ۸ مارس روز جهانی زن و برگزاری مراسم های این روز تاریخی، صبح روز چهارشنبه ۱۳/۱۲/۹۳ حامد محمودی نژاد فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به ستاد اداره اطلاعات سنندج احضار و چندین ساعت در مورد کمیته هماهنگی و برگزاری روز جهانی زن مورد بازجویی و بازخواست قرار گرفت. این فعال کارگری از عضویت خود در کمیته هماهنگی دفاع و گرامی داشت روز جهانی زن را حق مسلم تمامی زنان و مردان دانست. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن احضار حامد محمودی نژاد و دیگر فعالین کارگری برای ممانعت از برگزاری مراسم روز جهانی زن، خواهان پایان بخشیدن به تمامی اعمال فشار بر اعضای این کمیته و دیگر کارگران و فعالین کارگری می باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

## توزیع تراکت برای دستمزد در شهر سقز

بنا بر گزارش ارسال شده، جمعی از اعضای کمیته هماهنگی در شهر سقز (واقع در استان کردستان)، در اعتراض به سطوح بسیار پایین دستمزدهای کارگری و متعاقب

بیانیه کمیته هماهنگی و نیز در حمایت از بیانیه مشترک تشکل های کارگری، اقدام به پخش چند صد تراکت در میان کارگران کردند. در این تراکت دو صفحه ای، بر لزوم مبارزه متشکل کارگران برای کسب حداقل دستمزد ماهیانه سه میلیون تومان در ماه برای سال ۹۴ تاکید شده و در صفحه ی دوم تراکت متن بیانیه مشترک تشکل های مستقل کارگری آورده شده است. (نمونه تراکت و نیز بیانیه مشترک در سایت کمیته هماهنگی قابل مشاهده است)

این گروه از اعضای کمیته در راستای تلاش برای آگاهی رسانی در میان کارگران، در نقاط مختلف کارگری شهر سقز اقدام به توزیع تراکت های دستمزد کردند که با استقبال کارگران روبرو شد. همچنین تعدادی از این تراکت ها به نشانه ی اعتراض به اداره کار سقز داده شد کمیته هماهنگی از تمامی اعضای خود و نیز از تمامی کارگران و فعالین کارگری می خواهد که به شکل های گوناگون به تلاش سراسری برای افزایش دستمزد بپیوندند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

## توزیع تراکت برای دستمزد در شهر اشنویه

بنا بر گزارش ارسال شده، جمعی از اعضای کمیته هماهنگی در شهر اشنویه (واقع در استان آذربایجان غربی)، در اعتراض به سطوح بسیار پایین دستمزدهای کارگری و متعاقب بیانیه کمیته هماهنگی و نیز در حمایت از بیانیه مشترک تشکل های کارگری، اقدام به پخش چند صد تراکت در میان کارگران کردند. در این تراکت دو صفحه ای، بر لزوم مبارزه متشکل کارگران برای کسب حداقل دستمزد ماهیانه سه میلیون تومان در ماه برای سال ۹۴ تاکید شده و در صفحه ی دوم تراکت متن بیانیه مشترک تشکل های مستقل کارگری آورده شده است. (نمونه تراکت و نیز بیانیه مشترک در سایت کمیته هماهنگی قابل مشاهده است) این گروه از اعضای کمیته در راستای تلاش برای آگاهی رسانی در میان کارگران، در نقاط کارگری شهر اشنویه منجمله جایگاه های بنزین و گاز، نانوايي ها، شهرک صنعتی، سردخانه های سیب، جعبه

سازی ها، کارگران شهرداری و دیگر کارگران اقدام به توزیع تراکت های دستمزد کردند که با استقبال کارگران روبرو شد. کمیته هماهنگی از تمامی اعضای خود و نیز از تمامی کارگران و فعالین کارگری می خواهد که به شکل های گوناگون به تلاش سراسری برای افزایش دستمزد بپیوندند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

## آزادی افشین ندیمی از زندان

روز سه شنبه ۱۲/۱۲/۹۳ افشین ندیمی فعال کارگری و از اعضای هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری بعد از تحمل ۱ سال حبس در ساعت ۲ بعد از ظهر از زندان مرکزی سنندج آزاد شد و مورد استقبال گرم و همراهی خانواده، دوستان، کارگران و جمعی از فعالین کارگری شهر سنندج، کامیابان و سقز تا منزل ایشان در روستای محل سکونتش در کامیابان قرار گرفت. لازم به ذکر است افشین ندیمی در تاریخ ۱۸/۸/۹۲ به همراه دیگر فعال کارگری مهرداد صبوری توسط اداره ی اطلاعات شهرستان بانه دستگیر و مدت ۴۰ روز را در بازداشتگاه های اطلاعات شهرهای کامیابان و سنندج مورد بازجویی و سرانجام با اقرار و وثیقه ی ۱۵۰ میلیون تومانی آزاد گردید و در مراحل دادگاهی اش از سوی شعبه ی ۱ دادگاه انقلاب سنندج به اتهام عضویت در کمیته ی هماهنگی و فعالیت تبلیغی علیه نظام محکوم به ۶ سال زندان شد که در دادگاه تجدیدنظر دادگستری سنندج از حیث عضویت در کمیته ی هماهنگی به مدت ۵ سال تبرئه و از حیث فعالیت تبلیغی علیه نظام محکوم به تحمل ۱ سال حبس تعزیری شد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن تبریک به خانواده و تمامی کارگران و فعالین کارگری درود گرم تمامی اعضای کمیته را نثار این فعال کارگری خستگی ناپذیر و تمامی کارگران و فعالین کارگری و دوستانی می کند که در طول این مدت جهت آزادی ایشان تلاش نمودند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری\*

## از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...

سلیمانیه برپا شد، زنان و مردان آزادیخواه با در دست داشتن بنر و پلاکاردهایی در دفاع از حقوق زنان و گرامیداشت روز جهانی زن این چنین به استقبال این روز رفتند. همچنین این گروه بر بلندبهای قلعه گوینه، کوه مشرف بر سلیمانیه با خطی بسیار بزرگ نوشته بودند "۸ مارس" که بسیاری از مردم شهر آنرا مشاهده کردند.

## روز جهانی زن و پیام مسعود بارزانی!

در آستانه هشتم مارس روز جهانی زن، مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان در پیامی به این مناسبت ضمن تبریک این روز گفت "زنان کردستان نمونه مقاومت و فداکاری زنان جهانند، نمونه ای که در یک روز جنازه سه فرزند شهید به مادری تحویل می دهند، اما هنوز آماده فداکاری و جانباختن هستند."

مسعود بارزانی در پیام خود به نکات متعددی اشاره کرد، اما چیزی که بارزانی خود را در مقابل آن لال و کر کرده است، کشتار بی حد و حصر زنان در حاکمیت ۲۴ ساله آنهاست و تا کنون نزدیک به ۵ هزار نفر از زنان و دختران قربانی، ناموس پرستی و فرهنگ مردسالارانه شده اند، بدون اینکه حتی یک نفر از قاتلین زنان که بخش زیادی از آنها وابسته به همین حزب آقای بارزانی هستند دستگیر و محاکمه شده باشند. پیام بارزانی در آستانه روز جهانی زن، پیامی از سر ناچاری، پیامی برای خاک پاشیدن به جنبش برابری طلبی زنان و پیامی برای سرپوش گذاشتن بر بیش از دو دهه از حاکمیت سیاه و ننگین احزاب قومی و عشیره ای است که اگر قرار باشد حقوق زنان به رسمیت شناخته شود، در درجه اول باید لیست وسیعی از اعضا و کادربهای رهبری همین احزاب به جرم، قتل و زن ستیزی بازداشت و محاکمه شوند.

## کشته شدن یک سرباز کانادایی توسط نیروهای اقلیم کردستان!

شب ششم ماه مارس چهار تن از نیروهای نظامی کانادا، اشتباهی در محور باشیک توسط نیروهای نظامی اقلیم موسوم به پیشمرکه به رگبار بسته شدند که در نتیجه آن سه نفرشان زخمی می شوند که یکی از آنها چند ساعت بعد در بیمارستانی در شهر اربیل جانش را از دست داد. در این باره هلنگورد حکمت سخنگوی وزارت پیشمرکه اعلام کرده که این رویداد در حالی اتفاق افتاده که این چهار مشاور نظامی کانادایی بدون هماهنگی با نیروهای اقلیم در این مسیر حرکت کرده اند. لازم به ذکر است که در چهارچوب فعالیتهای ائتلاف علیه داعش از ماه اکتبر ۲۰۱۴ به بعد ۶۹ نفر از نیروهای نظامی کانادا در اقلیم کردستان به سر می برند.

## دستور فرستادن نیرو برای آزادی شهر موصل توسط چه کسی صادر می شود!

در باره فرستادن نیرو از اقلیم کردستان برای آزاد سازی موصل از دست داعش و اینکه چه کسی در این باره تصمیم می گیرد، روز هفتم مارس دلیر ماوه تی معاون هیئت پارلمانی نیروی پیشمرکه اعلام کرد که "این رئیس اقلیم کردستان است که در باره فرستادن نیرو برای آزادسازی موصل تصمیم می گیرد، اما این تصمیم باید با قید و شرط باشد". ماوه تی در بخش دیگری از سخنان خود افزود که "جنگ موصل فرصت مناسبی است برای تحمیل کردن تمام شرطهای خود به دولت مرکزی عراق و در این باره باید همه جناحها بر سر شروط اقلیم کردستان در جنگ آزاد سازی موصل توافق داشته باشند".

لازم به ذکر است که حمله به موصل و بازپس گیری آن از دست داعش مدتی است بر سر زبانهاست و سخنان ماوه تی هم برای شرکت نیروهای نظامی اقلیم و اینکه تصمیم نهایی با چه کسی است و به چه قیمتی شرکت خواهند کرد در همین رابطه می باشد. بهرحال هر چه هست در جنگ با داعش هم احزاب ناسیونالیست حاکم، مثل حاکمیت ۲۴ ساله خود قبل از هر چیز به فکر تحکیم موقعیت سرکوبگرانه و افزودن بر دزدی و چپاولهای خود می باشند و در این راستا حاضرند با هر نیرو و دولتی دست به ساخت و پاخت بزنند.

## عربستان سعودی در اربیل کنسولگری باز می کند!

بر اساس گزارشهای منتشر شده عربستان سعودی در چند روز آینده کنسولگری خود را در شهر اربیل باز می کند. این تصمیم در پی سفر هیئتی بلند پایه از مقامات عربستان سعودی به عراقی در اوائل سال جاری گرفته شده است. لازم به ذکر است که هم اکنون، ایران، روسیه، بریتانیا، آمریکا، آلمان، فرانسه، مجارستان و ترکیه در شهر اربیل کنسولگری دارند.\*

## از صفحه ۱ برگزاری ۸ مارس روز ...



گردد، کارگر، معلم اتحاد اتحاد، نان مسکن آزادی و زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، مسیر خیابان فرح را پیوموند. برگزاری این حرکت در حالی صورت گرفت که از هفته ها قبل نیروهای اداره اطلاعات و دیگر ماموران امنیتی رژیم در سنندج با تمام قدرت تلاش کردند که از طریق احضار، تهدید فعالین عرصه های اجتماعی و مدافع حقوق زن و همچنین با ایجاد فضای رعب و وحشت مانع از حضور مردم و یا برگزاری مراسم ۸ مارس در سنندج بشوند.

امنیتی و سرکوب رژیم را شکسته و صدای آزادیخواهی و برابری طلبی را در بخشی از شهر فریاد بزنند درود میفرستد و به آنان خسته نباشید می گوید. بنا به اخبار دیگری که به کمیته کردستان حزب رسیده است علاوه بر سنندج در مریوان، مهاباد، سقر و چند شهر دیگر مراسمهای هشت مارس در جمعها و محافل و مکانهای مختلف برگزار شده است.

زنده باد ۸ مارس  
روز جهانی زن  
کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ اسفند ۹۳  
۸ مارس ۲۰۱۵

## سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سرفه هایشان تماما خالی شده است. سالها است شمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی نظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جرمه های سنگین محکوم کرده اند. گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند. گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرنگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!  
زنده باد سوسیالیسم!  
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

زنده باد انقلاب انسانی  
برای جامعه ای انسانی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!